۱۵ خرداد ۱۳۹۴ ـ شماره: ۲۱

مقاله ها

پایگاه اطّلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

چرا سکوت؟
پرسشی از فرهیختگان مسلمان

نویسنده مقاله:
دکتر کریم محمّدزاده

توجّه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

پایگاه اطّلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم



چندی پیش در سطح جامعه از عالمی مسلمان به نام «منصور هاشمی خراسانی» کتابی ارزشمند و حکیمانه در حوزه اسلام‌شناسی با عنوان «بازگشت به اسلام» که مبتنی بر یقینیات عقلی و شرعی و مملو از آیات قرآن و احادیث متواتر است، منتشر گردید. این عالم بزرگوار در این اثر گران سنگ با شیوه‌ای کاملاً برهانی و در چارچوب اسلام به بررسی عقاید و اعمال مسلمانان و آسیب‌شناسی و نقد انحرافات و بدعت‌های آنان پرداخته و چگونگی رهایی‌شان از وضع موجود و رسیدنشان به وضع مطلوب را تبیین فرموده است. از این رو، می‌توان گفت که این اثر بی‌نظیر دیر یا زود تحوّلی بنیادین در شناخت مسلمانان از اسلام و ابعاد مختلف آن و انقلابی فرهنگی در جهان اسلام ایجاد خواهد کرد که بنیان‌های صدها ساله جهل و ظلم را فرو خواهد ریخت و زمینه‌ی تحقّق عدالت جهانی را به عنوان آرمان اسلام فراهم خواهد نمود ان شاء الله. اما چیزی که جای بسی تعجّب و البته تأسّف دارد این است که در این میان، علما، صاحب‌نظران، روشنفکران، فرهیختگان و اهل قلم در سکوتی بی‌معنا و ظلمانی فرو رفته‌اند و درباره آن چیزی نمی‌گویند! اما به راستی چرا؟ این سؤالی است که باید از خودشان پرسید. از این رو، روی سخنم را به آنان می‌کنم و می‌پرسم:

ای عالمان مسلمان! مگر خداوند از شما عهد و پیمان نگرفته است که در برابر حقیقت سکوت نکنید و آن را کتمان ننمایید و آشکارش سازید و مردم را به سوی آن دعوت کنید؟! آیا

کتاب «بازگشت به اسلام» را خوانده‌اید؟! آیا این کتاب چیزی جز تبیین حقایق اسلامی است؟! آیا این اثر ارزشمند یک کتاب علمی و متقن اسلامی نیست؟! آیا چیزی که این بنده خداوند در کتاب خود تبیین کرده، چیزی جز اسلام ناب بر پایه یقینیات و مسلّمات اسلامی است؟! آیا کتابی که در آن کلمه‌ای خلاف قرآن و سنّت و عقل وجود ندارد، کتابی ضالّه است؟! آیا کتابی که در سراسر آن به تبعیّت از عقل و پیروی از قرآن و سنّت متواتر دعوت شده، چیزی جز معروف است و دعوت به آن امر به معروف نیست؟! اگر چنین است پس چرا شما سکوت کرده‌اید و سخنی درباره آن نمی‌گویید؟! مگر شما مسؤول نیستید که از حق دفاع کنید و به معروف امر کنید و در نیکی و تقوا یاری نمایید؟! مگر در اسلام کتمان علم از گناهان بزرگ نیست؟! پس چرا این حکمت‌نامه ارزشمند را کتمان می‌کنید و درباره آن هیچ نمی‌گویید؟! به راستی چرا نظرتان را درباره این کتاب نورانی بیان نمی‌کنید و مسلمانان را به سوی آن فرا نمی‌خوانید تا در سایه معارف اصیل و ریشه‌دار آن اختلافاتشان برطرف گردد و بدبختی‌ها و محرومیتشان به پایان رسد؟! مگر شما به قیامت باور ندارید و از عذاب دوزخ نمی‌هراسید؟! به راستی از چه چیزی می‌ترسید و نگران چه هستید که سکوت کرده‌اید؟! مگر این چند روز حیات دنیا می‌ارزد که به خاطر آن حیات جاودانه خود را به آتش بکشید؟! آیا از هدایت بندگان خدا هراس دارید و می‌ترسید بدبختی‌هایشان پایان یابد؟! اگر این‌گونه نیست پس چرا سکوت کرده‌اید؟! شما اگر همچنان به سکوت خود ادامه دهید، سفیهان و جاهلان و بی‌خردان شروع می‌کنند به یاوه‌گویی درباره علمای حقیقی و هتک حرمت ایشان و با مغالطه و سفسطه و جوسازی و حاشیه‌سازی و دروغ‌پراکنی و تبلیغات سوء یک‌جانبه راه هدایت را بر بندگان خدا می‌بندند! شما را به خدا از خدا بترسید و سکوت خود را بشکنید و زبانتان را بچرخانید و از دعوت به سوی حق و اهل آن نهراسید! به خدا قسم خداوند شایسته‌تر است به ترسیدن! شما در روز قیامت نسبت به تک تک روزهایی که سکوت کرده‌اید مؤاخذه خواهید شد و باید پاسخ دهید! پس بار گناه خود را سنگین نکنید و مانند علمای بنی‌اسرائیل نباشید که حقیقت را کتمان کردند و پوشاندند، پس خداوند خوارشان گردانید و عذاب خود را بر آن‌ها نازل فرمود.

ای روشن‌فکران و فرهیختگان! کجا رفته است روشنفکری و فرهیختگی شما؟! چرا در برابر دریایی از علم و حکمت و فرزانگی سکوت کرده‌اید و زبان‌های خود را بسته‌اید؟! مگر مسؤولیت آگاهی جامعه بر دوش شما نیست؟! مگر با فهمیدن این کتاب عالمانه و عمل بدان بدبختی‌های جامعه‌تان به پایان نمی‌رسد؟! آیا این همه جهل و تعصّب و تکبّر و تقلید و اهواء رنگارنگ را در پیرامون خود نمی‌بینید؟! آیا کسی که مسلمانان را از این تباهی‌ها باز می‌دارد

و آن‌ها را به سوی شناخت اسلام حقیقی دعوت می‌کند خیرخواه مسلمانان نیست؟! آیا نباید چنین کسی را پاس داشت و اندیشه او را ستود و آن را ترویج نمود؟! شما که درباره هر چیزی اظهار نظر می‌کنید چرا درباره این اتّفاق مبارک که می‌تواند پایان بخش قرن‌ها جهل و اختلاف و شروع یک انقلاب جهانی باشد زبان بسته‌اید و روزه سکوت گرفته‌اید؟!

ای اهل قلم! مگر خداوند به قلم سوگند یاد نکرده و آن را امانتی در دستان شما قرار نداده است؟! آیا نباید این قلم را در راه او و برای تبیین حقایق او و دعوت به سوی او حرکت دهید؟! پس چرا درباره کتاب بزرگ «بازگشت به اسلام» که دعوت به سوی خداوند و کتاب او و پیامبر او و دین او و خلیفه او بر روی زمین است، قلم‌هایتان را نمی‌جنبانید و در شرح و تبیین آن چیزی نمی‌نویسید؟! آیا شما مسؤولیت آگاه کردن مردمان را بر دوش خود ندارید و در پیشگاه خداوند بازخواست نخواهید شد؟!

ای مراجع تقلید و مفتیان مسلمان! مگر شما نباید حافظان دین خداوند و ارشادکنندگان به سوی خیر و نیکی باشید؟ شما که بیشتر از دیگران قرآن خوانده‌اید و حدیث دیده‌اید و مردم مقلّدان شمایند! پس چرا در برابر حقایق ارزشمندی که این عالم فرزانه در کتاب خود از آن پرده برداشته است سکوت کرده‌اید و در حمایت از او موضعی نمی‌گیرید؟! آیا در کتاب او جز قرآن و حدیث متواتر دیده‌اید و جز حکمت و عقلانیت یافته‌اید؟! اگر کتابش را نخوانده‌اید هرچه زودتر بخوانید و اگر خوانده‌اید سکوت خود را بشکنید! آیا می‌پندارید که مسؤول نیستید و در آخرت به خاطر این سکوت و بی‌توجّهی‌تان نسبت به حقیقت مؤاخذه نمی‌گردید؟! به راستی اگر درباره آنچه این عالم بزرگوار در کتاب خود تبیین کرده است ابهام یا اشکالی دارید، پس چرا درباره آن از او سؤال نمی‌کنید تا پاسختان دهد و اگر دعوت او را دعوتی اسلامی و در چارچوب اسلام می‌دانید پس چرا از او حمایت نمی‌کنید؟! آیا حمایت از چنین کسی بر شما واجب نیست؟!

ای مسلمانان! آیا به این دلیل از اندیشه این شخصیّت حمایت نمی‌کنید که او شخصی گمنام است؟! مگر نباید به جای نام و آوازه اشخاص به پیام و اندیشه آن‌ها اهمیّت دهید؟! آیا از اشخاص مشهور و پرآوازه ولی جاهل، کم بدبختی و مصیبت دیده‌اید که از شخصی غریب اما عالم، روی‌گردانید؟! اصلاً تصوّر کنید که این شخص وجود خارجی ندارد یا چوپانی از سر کوه است، اما کتاب او که واقعیت دارد و پر از علم و حکمت است! اگر هویّت او برای شما معلوم نیست، سخن او که برایتان معلوم است! پس چرا به سخن او توجّه نمی‌کنید؟! آیا سخن

او حق نیست؟! اگر حق نیست، چرا اشکالات آن را بیان نمی‌کنید؟! و اگر حق است، آیا صرف نظر از کیستی او نباید به آن اعتنا کنید و آن را بپذیرید؟ پس چرا به دنبال کیستی این شخص می‌گردید و خود را دچار فتنه می‌کنید و از پیام حق او غافلید؟! در حالی که کیستی انسان با پیام او شناخته می‌شود و شخصیّت او در راه و روش و آرمانش نهفته است!

آیا به این دلیل از دعوت این عالم بزرگوار حمایت نمی‌کنید که درباره خود ادّعایی کرده است؟ کدام ادّعا؟! در حالی که این شخص با همه‌ی بزرگی علمی‌اش، هیچ ادّعایی درباره خود نکرده است و تنها به سوی اسلام خالص و کامل دعوت می‌کند.

ای خطیبان و منبریان! مگر آن منبر امانت رسول خداوند و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر و دعوت به سوی حق و حقیقت نیست؟! پس چرا در این جایگاه از معارف و معالم این عالم فرزانه سخنی نمی‌گویید و به کتاب او اعتنایی ندارید؟! در حالی که کتاب او کتابی اسلامی است که در آن به معضلات مسلمین پرداخته شده و مشکلات آن‌ها بررسی گردیده و راه حل‌های قطعی آن بر اساس عقل و با تکیه بر قرآن و حدیث متواتر ارائه گردیده است. پس چرا در خطبه‌های خود از او دفاع نمی‌کنید و به کتاب ارزشمندش که دعوت کننده به اسلام راستین است اشاره نمی‌نمایید؟! آیا چون برخی از آنچه در آن تبیین شده است با برخی از عقاید و اعمال شما ناسازگار است کلّ آن را انکار می‌کنید؟! آیا چون به نقدی علمی و ناصحانه از ولایت مطلقه فقیه پرداخته است او را در شمار دشمنان خود پنداشته‌اید؟! مگر نه این است که بسیاری از علمای بزرگ و فقهای عالی‌مقام نیز در این باره با او هم‌نظرند؟! یا می‌ترسید کسانی که از آگاه شدن مردم می‌هراسند و دوستدار علم نیستند، دنیایتان را به خطر اندازند؟! در حالی که شایسته است شما خود را با حقیقت سازگار سازید و نه حقیقت با شما و شایسته است آن‌ها که دوستدار علم نیستند از شما بهراسند و نه شما از آن‌ها و همه ما باید دوستدار کسی باشیم که خالصانه در پی اصلاح ماست و همه باید تنها از خداوند بترسیم و نگران روز جزا باشیم.

ای مسلمانان! اگر نیک بنگرید و منصف باشید در می‌یابید که عالم جلیل القدر جناب منصور هاشمی خراسانی ادّعای باطل و محالی نکرده است که او را به خاطر آن نکوهش کنید و به غیر خدا و رسول صلی الله علیه و آله و مهدی علیه السلام دعوت نکرده و به سوی خود فرا نخوانده است که او را به خاطر آن تکذیب کنید و خوار دارید. بلکه در کتاب خود یعنی «بازگشت به اسلام» با دلایل محکم عقلی و قرآنی، شما را از جهل و تقلید و تعصّب و تکبّر و اهواء نفسانی بازداشته و به سوی خداوند و خلیفه او در زمین فراخوانده و راه حل بزرگترین

معضلات فکری و عملی مسلمانان را بیان فرموده است و شایسته نیست که سخن او را به خاطر گمنام بودنش یا به خاطر مشتی یاوه و تبلیغات کاذب و بی‌پایه بر ضدّ او نشنوید و کتابش را نخوانید و سپس نشنیده و نخوانده تکذیبش کنید. پس از خداوند بترسید و قیامت را به یاد آورید و به هتّاکی مزدوران شیطان و عمله‌ی ظالمان فریفته نشوید؛ چرا که با انتشار این کتاب شریف کاخ‌های پر زرق و برقشان که بر بنیاد جهل مردم استوار است لرزیده و ترسیده‌اند مسلمانان بدانند و هدایت شوند. پس شما بدانید و هدایت شوید تا کمر شیطان بشکند و بینی ظالمان به خاک مالیده شود و خدایتان از شما راضی گردد!

ای برادران و خواهران مسلمان! به راستی چرا از این اتّفاق مبارک خوشحال نیستید و سجده شکر نمی‌گذارید؟ مگر کسی که عیب‌های شما را به شما بگوید و دینتان را آن‌گونه که هست نه آن گونه که اصحاب زور و زر و تزویر جلوه داده‌اند به شما بشناساند بهترین برادر شما نیست؟ مگر معلم دلسوز و مهربانی که بدون هیچ اجری شما را تعلیم دهد شایسته احترام نیست؟ مگر در برابر عالمی که بزرگترین معالم و ناب‌ترین معارف اسلامی را بی هیچ چشم‌داشتی برایتان آورده است نباید زانو بزنید و درس آموزید؟ پس این فرصت هدایت را از خود نگیرید و از غیر خدا نترسید و در اندیشه اصلاح خود و ساختن آخرتتان باشید.

ای علما و صاحب نظران و مراجع تقلید! ای فرهیختگان و روشنفکران و اهل قلم! ای منبریان و خطیبان! و ای مسلمانان و آزادگان جهان! آیا می‌دانید در سایه همین سکوت شما برخی به کسانی که جز رساندن حق به شما گناهی ندارند چه ظلم‌ها می‌کنند و به نویسنده خیرخواه و فرزانه آن که بدون شک بزرگ‌ترین عالم روزگار ماست چه اهانت‌ها و تهمت‌ها روا می‌دارند؟

امروز هر ساعت سکوت شما در برابر این حقیقتی که روی آورده در کارنامه اعمالتان ثبت می‌گردد و هر سخنتان نوشته می‌شود. پس بنگرید که چه می‌کنید و چه می‌گویید و مانند گذشتگانی نباشید که خودتان آن‌ها را به خاطر سکوتشان در برابر حق و دشنام دادن آن، لعن و نفرین می‌کنید؛ چراکه آیندگان نیز در باره شما چنین خواهند کرد و البته مؤاخذه خداوند سخت‌تر است.

والسّلام علی من اتّبع الهدی